



لغت‌های جدید

أجل: گران قدرتر	ضمر: زیان رساند	ارتبط: ارتباط داشت
عصى: سرپیچی کرد	همس: پیچ کرد، آهسته سخن گفت	استمع: گوش فراداد
علم الأحياء: زیست‌شناسی	الکیمیا: شیمی	التزم: پایبند شد
كن: باش	التفات: روی برگرداندن	التفت: روی برگرداند
ما تقدموا: هرچه پیش بفرستید	رَسَب: مردود شد	ألف: نگاشت
يُثبت: استوار می‌سازد	اجتناب: دوری کردن	تازة: یک بار
حشِب: بس	هَرَب: فرار کرد	تبجيل: بزرگ داشت
امير: فرمانده	ماهر: زبردست	تَعْتَم: مچ‌گیری
فَكَر: اندیشید	مَجَال: زمینه	تَبَّه: آگاه شد
فَم: برخیز	حاوَل: تلاش کرد	حصّة: زنگ درسی
مُشاغِب: شلوغ‌کننده و اخلاک‌گر	سَبَق: پیشی گرفت	كاد: نزدیک بود
حصّد: درو کرد	سَبَّوْرَة: تخته سیاه	وافق: موافقت کرد
قضی امرأ: دستور داد	سلوک: رفتار	وقی: کامل کرد
وفه التبجيل: احترامش را کامل به جا بیاور	التوم: خواب	أنشأ: ساخت
حَجَل: شرم‌منده شد		

متضادها

قليل ≠ كثير	أحياء ≠ أموات
حُسن الأدب ≠ سوء الأدب	زَرَع ≠ حَصَد
قام ≠ جَلَس	ضَرَّ ≠ نَفَع
خَيْر ≠ شَر	سَكَت ≠ تَكَلَّمَ
دَنَا ≠ بَعَد	صداقة ≠ عداوة

مترادفها

حصّة = جرس	وراء = خلف
تبجيل = تعظيم	إثم = ذنب
فَرَب = هَرَب	تازة = مرة
حُب = وُد	

جمع‌های مکسر

طلّاب: طالب	سُلوك: سلک
أحياء: حَيّ	عُلَماء: عالم
أوامر: امر	كلام: کلمه
زُملاء: زمیل	عناصر: عنصر
أعداء: عدوّ	جُنود: جُنْدی
أنفُس: نفس	الأردل: ردیل
أفاضل: فضل	أقدام: قَدَم

فی محضرِ الْمُعَلِّمِ

در پیشگاه معلم

درس دوم

فی الحِصَّةِ الاوَّلِ كانَ الطُّلَابُ يَسْتَمْعُونَ إلى كَلَامِ مُدْرِّسِ الكِمْيَاءِ، وَ كانَ بَيْنَهُمْ طالِبٌ مُشاغِبٌ قَليلُ الأَدبِ، يَضُرُّ الطُّلَابَ بِسلوكِهِ، در زنگِ دَرسِ اولِ دانش‌آموزان به سخنانِ معلمِ شیمی گوش می‌کردند و در میان آن‌ها دانش‌آموزِ شلوغ و بی‌ادبی بود که دانش‌آموزان را با رفتارِش آزار می‌داد.

يَلْتَفِتُ تارَةً إلى الوِراءِ وَ يَتَكَلَّمُ معَ الذی خَلَفَهُ وَ تارَةً يَهْمِسُ إلى الذی يَجْلِسُ جَنبَهُ حينَ يَكْتُبُ المَعْلَمُ على السَّبَّورَةِ، وَ في الحِصَّةِ الثانیَةِ كانَ الطُّالِبُ یَسألُ مُعَلِّمَهُ عِلْمَ الأَحْیاءِ تَعَنُّتاً.

یک بار رویش را به عقب برمی‌گرداند و با کسی که پشت سرش بود صحبت می‌کرد و یک بار هنگامی که معلم روی تخته سیاه می‌نوشت، با کسی که کنارش بود بی‌بج می‌کرد و در زنگ دوم همین دانش‌آموز از معلم زیست‌شناسی به قصد می‌گیری سؤال می‌کرد.

وَ في الحِصَّةِ الثالِثَةِ كانَ يَتَكَلَّمُ معَ زمیلِ مِثْلِهِ وَ يَضْحَكُ، فَنَصَحَهُ المَعْلَمُ وَ قالَ: مَنْ لا یَسْتَمَعُ إلى الدَّرْسِ جَیِّداً یَرُسُبُ في الامْتِحانِ. وَلَکِنِ الطَّالِبُ اسْتَمَرَّ على سلوکِهِ.

و در زنگ سوم با هم‌کلاسی مثل خودش صحبت می‌کرد و می‌خندید؛ معلم او را نصیحت کرد و گفت: هر کس به درس خوب گوش ندهد در امتحان مردود می‌شود؛ آن ولی دانش‌آموز رفتارش را ادامه داد.

فَكَرَّ مَهرانُ حَولَ هذِهِ المَشْکَلَةِ، فَذَهَبَ إلى مُعَلِّمِ الأَدبِ الفارِسیِّ وَ شَرَحَ لَهُ القِضیةَ وَ قالَ: أَحَبُّ أَنْ اکتَبَ اِنْشاءً تحتَ عَنوانِ «فی محضرِ المُعَلِّمِ»؛

مهران درباره این مشکل فکر کرد و به سوی معلم ادبیات فارسی رفت و موضوع را برای او شرح داد و گفت: در کلاس ما دانش‌آموز شلوغی است، دوست دارم انشایی با عنوان «در پیشگاه معلم» بنویسم.

فَوافَقَ المُعَلِّمُ على طَلبِهِ، وَ قالَ لَهُ: إِنَّ تَطالُعَ کِتابِ «مُنِیةِ المُریدِ» لِزینِ الدینِ العامِلِ «الشَّهِیدِ الثانی» یُساعِدُکَ في اِنْشاءِکَ، ثُمَّ کَتَبَ مَهرانُ اِنْشاءَهُ وَ أعطاهُ لِمَعْلَمِهِ.

معلم با درخواستش موافقت کرد و به او گفت: اگر کتاب «منیة المرید» از زین الدین عاملی «شهید ثانی» را مطالعه کنی تو را در نوشتن انشایت کمک می‌کند، سپس مهران انشایش را نوشت و آن را به معلمش داد.

فقالَ المُعَلِّمُ لَهُ: إِنَّ تَقْرَأَ اِنْشاءَکَ امامَ الطُّلَابِ فسوفَ یَتَنَبَّهُ زَمیلُکَ المُشاغِبُ وَ هذاکَ قِسمٌ مِنْ نِصِّ اِنْشاءِهِ.

معلم به او گفت: اگر انشایت را مقابل دانش‌آموزان بخوانی هم‌کلاسی اخلاک‌گرت آگاه خواهد شد و این قسمتی از متن انشای اوست.

... أَلْفٌ عَدَدٌ مِنَ العِلْماءِ کُتِبَ في مَجالِ التَّربِیةِ وَ التَّعلیمِ. یَرْتَبِطُ بَعْضُها بِالمُعَلِّمِ وَ الأُخْری بِالْمُتَّعَلِّمِ، وَ لِلطَّالِبِ في مَحْضَرِ المُعَلِّمِ آدابٌ، مَنْ یَلْتَزِمُ بِها یَنْجَحُ، أَهْمُها.

شماری از دانشمندان کتاب‌هایی در زمینه‌های آموزش و پرورش نوشتند که بعضی از آن به معلم مربوط است و بعضی دیگری به یادگیرنده. برای دانش‌آموز در پیشگاه معلم، آدابی است، هر که به آن پایبند باشد، پیروز می‌شود؛ مهم‌ترین آن عبارت‌اند از:

۱. أَنْ لا یُعْصِ أوامرَ المُعَلِّمِ.

از دستورات معلم سرپیچی نکند.

۲. الإِجْتِنابُ عَنِ کَلَامِ فیهِ اساءَةٌ لِالأَدبِ.

دوری کردن از سخنی که در آن بی‌ادبی است.

۳. أَنْ لا یَهْرَبَ مِنْ أداءِ الواجباتِ المَدْرَسیَّةِ.

این‌که از انجام دادن تکالیف مدرسه فرار نکند.

۴. عَدَمُ التَّوَمُّرِ في الصَّفِّ، عَندما یُدْرِسُ المُعَلِّمُ.

نخوابیدن در کلاس، هنگامی که معلم درس می‌دهد.

۵. أَنْ لا یَتَكَلَّمَ معَ غَیْرِهِ مِنَ الطُّلَابِ عَندما یُدْرِسُ المُعَلِّمُ.

این‌که وقتی معلم درس می‌دهد، با دانش‌آموزان دیگر صحبت نکند.

۶. أَنْ لَا يَفْطَعُ كَلَامَهُ، وَيَسْبِقُهُ بِالْكَلامِ وَيَصْبِرَ حَتَّى يَفْرَغَ مِنَ الْكَلَامِ.
این که سخنش را قطع نکند و در سخن گفتن از او پیشی نگیرد و صبر کند تا سخن او تمام شود.
۷. الْجُلُوسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ وَالِاسْتِمَاعُ إِلَيْهِ بِدَقَّةٍ وَعَدَمُ الْاِلْتِفَاتِ إِلَى الْوَرَاءِ إِلَّا لِلضَّرُورَةِ.
در مقابل او با ادب نشستن و به دقت به او گوش دادن و به پشت سر نگاه نکردن مگر به ضرورت.
- لَمَّا سَمِعَ الطَّالِبُ الْمُشَاغِبُ انْشَاءَ مَهْرَانَ، حَجَلَ وَنَدِمَ عَلَى سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ.
هنگامی که دانش آموز اخلالگرانشای مهران را شنید، شرمند شد و از رفتارش در کلاس پشیمان شد.
- قَالَ الشَّاعِرُ الْمِصْرِيُّ أَحْمَدُ شَوْقِي أَحْمَدُ شَوْقِي عَنِ الْمَعْلَمِ:
شاعر مصری احمد شوقی درباره معلم گفته است:

قَدْ لِلْمَعْلَمِ وَفَّهِ التَّبْجِيلَا كَادَ الْمَعْلَمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولَا
برای معلم برخیز و احترامش را کامل بجا بیاور. نزدیک است که معلم پیامبر باشد.

أَعْلَمْتُ اشْرَفَ أَوْ اجَلَ مِنَ الَّذِي يَبْنِي وَيُنْشِئُ أَنْفُسًا وَعُقُولًا؟
آیا شناخته ای شریف تر و باشکوه تر از معلمی که جانها و خردها را می سازد و پدید می آورد؟

فنون ترجمه

۱. ماضی استمراری = كان + فعل مضارع
مانند: يَفْعَلُ = انجام می دهد / كان يَفْعَلُ = انجام می داد
۲. مضارع التزامی = أن + فعل مضارع
مانند: يَفْعَلُ = انجام می دهد / أن يَفْعَلُ = انجام دهد
۳. حروف شرط (مَنْ - إِنْ - مَا) + فعل مضارع
مانند: مَنْ يَجْتَهِدُ يَنْجَحْ = هر کس تلاش کند، پیروز می شود.
۴. آینده = سَدىا سَوىف + فعل مضارع / سَوىف يَفْعَلُ = انجام خواهد داد

تمرین های امتحانی ترجمه

التمرین الأول - أكمل الترجمة على حسب الدرس:

۱. فى الحصبة الأولى كان الطلاب يستمعون إلى كلام مُدْرِس الكيمياء.
 ۲. كان الطالب يسأل معلم علم الأحياء تَعْتُنَا؟
 ۳. مَنْ لا يَستَمِعُ إلى الدرس جيداً يَرسِبُ فى الامتحان.
 ۴. إِنْ تَقْرَأُ انْشَاءَكَ أَمَامَ الطَّالِبِ فَسَوىف يَتَبَّهَ زَمِيلَكَ الْمُشَاغِبِ.
 ۵. إِنْ تَزِرْغُ خَيْرًا تَحْصُدُ سَوىراً.
 ۶. الاجتناب عن كلامٍ فيه إساءةُ الأَدَبِ.
 ۷. السَّبُورَةُ لَوْحٌ أَمَامَ الطَّالِبِ يَكْتَبُونَ عَلَيْهِ.
 ۸. مَنْ سَأَلَ فى صِغَرِهِ أَجَابَ فى كِبَرِهِ.
- در زنگ اول دانش آموزان به سخنان معلم ،
دانش آموز از معلم به قصد مچ گیری
هر کس به درس خوب در امتحان
اگر انشای خود را در مقابل دانش آموزان بخوانی ، هم کلاسی ،
اگر نیکی شادی
..... از سخنانی که در آن است .
..... مقابل دانش آموزان که روی آن
هر کس در بپرسد در پاسخ می دهد .

التمرین الثانی - عین الترجمة الصحيحة:

۱. مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيرًا يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ.
الف. هر که بسیار تلاش کند، به هدفش خواهد رسید.
ب. هر کس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.
۲. عِلْمُ الْكِيمِيَاءِ عِلْمٌ مَطَالَعَةُ خَوَاصِ الْعُنَاصِرِ.
الف. علم شیمی، علم مطالعه خواص عنصرهاست.
ب. علم زیست‌شناسی، علم مطالعه خواص عنصرهاست.
۳. كَانَ الطَّلَابُ يَسْتَمْعُونَ كَلَامَ مُدْرِّسِ عِلْمِ الْأَحْيَاءِ.
الف. دانش‌آموزان سخنان معلم زیست‌شناسی را می‌شنوند.
ب. دانش‌آموزان سخنان معلم زیست‌شناسی را می‌شنیدند.
۴. أَلْفٌ عِدْدٌ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتِبَ فِي مَجَالَتِ التَّرْبِيَةِ وَالتَّعْلِيمِ.
الف. تعدادی از دانشمندان کتابی در زمینه‌های تربیت و تعلیم نوشته بودند.
ب. تعدادی از دانشمندان کتاب‌هایی در زمینه‌های تربیت و تعلیم نوشته‌اند.
۵. قُمْنَا عَنْ مَجْلِسِكِ لِأَبِيكَ.
الف. از جاییت در مقابل برادرت بلند شد.
ب. از جاییت در مقابل پدرت برخیز.

التمرین الثالث - عین الصحیح فی ما أشیر الیه بخط:

۱. يَسْتَمِعُ إِلَى كَلَامِ مُدْرِّسِ الْكِيمِيَاءِ.
(شیمی - زیست‌شناسی - فیزیک)
۲. فِي صَفِينَا طَالِبٌ مُشَاغِبٌ.
(اخلاق - مؤدب - بی ادب)
۳. يَلْتَفَتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ.
(مقابل - کنار - پشت)
۴. كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ.
(صحبت کرد - صحبت می‌کند - صحبت می‌کرد)
۵. مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ قَلَّ خَطْوُهُ.
(هرکس - کسی که - اگر)
۶. إِذَا اجْتَهَدْتَ نَجَحْتَ.
(موفق شدی - موفق می‌شوی - موفق خواهی شد)
۷. التَّعْنُتُ طَرَحُ سَوَالٍ صَعِبٍ.
(طعن زدن - مچ‌گیری کردن - انجام دادن)

التمرین الرابع - صحح الأخطاء في الترجمة:

۱. الْعَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ مَيِّتًا.
جهان زنده است اگر چه بمیرد.
۲. إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ.
اگر نیکی کردید به خودت نیکی خواهی کرد.
۳. مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ.
اگر کسی خوبی کند خدا آن را می‌بیند.
۴. التَّوَاضُعُ أَمَامَ الْمَعْلَمِ كَتَوَاضُعِ الْمَرِيضِ أَمَامَ الطَّبِيبِ الْمَاهِرِ.
در نزد معلم فروتنی کردند مانند فروتنی کردن مریض، در مقابل پزشک موفق است.
۵. أَحَبُّ أَنْ أُكْتَبَ انْشَاءً تَحْتَ عُنْوَانِ «فِي مَحْضَرِ الْمَعْلَمِ».
دوست داشتم انشایی با عنوان «در جایگاه معلم» می‌نوشتم.

التمرین الخامس - أكمل الفراغات مستعيناً بالكلمات التالية:

- «كيف - النوم - قليل - الحصة - لا يعصى - وافق - يتوكل»
۱. أَنْ أَوَامِرِ الْمُعَلِّمِ.
۲. عَدَمٌ فِي الصَّفِّ عِنْدَمَا يُدْرِّسُ الْمُعَلِّمُ.
 ۳. فِي الثَّلَاثَةِ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ.
۴. كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ الْإِدْبِ.
 ۵. الْمَعْلَمُ عَلَى طَلْبِهِ.
۶. كَانَتْ أَخْلَاقُ الطَّالِبِ الَّذِي كَانَ يَلْتَفِتُ إِلَى الْوَرَاءِ.
 ۷. مَنْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ.

التمرين السادس - اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة:

في الحصة الأولى كان الطالب يستمعون إلى كلام مُدَرِّس الكيمياء وكان بينهما طالبٌ مشاغِبٌ قليل الأدب. فنصحه المعلمُ وقال: مَنْ لا يَسْتَمِعُ إلى الدرس ما نَجَحَ في الامتحان. ثُمَّ فَكَّرَ الطالب حول هذه المشكلة فذهب إلى معلمِ الادبِ الفارسي وقال له في صفنا طالبٌ مشاغِبٌ.

١. في أيّ الحصة كان الطالب يستمعون إلى كلام مُدَرِّس الكيمياء؟
٢. كيف تكون الطالب بينهم؟
٣. أين ذهب الطالب لحل المشكلة؟
٤. عيّن فعل ماضى استمراري:

التمرين السابع - أكتب المطلوب (المترادف، المتضاد ومفرد الكلمات):

- | | | |
|-----------------------------|------------------------|-------------------------|
| ١. السبورة (بالفارسية): | ٢. مچ گیری (بالعربية): | ٣. هَمَسَس (بالفارسية): |
| ٤. علم الأحياء (بالفارسية): | ٥. شیمی (بالعربية): | ٦. زُملاء ← مفردها: |
| ٧. إثم = | ٨. أحياء ≠ | ٩. زَرَعٌ ≠ |
| ١٠. امر ← جمع مكسر: | ١١. نازة = | ١٢. نفس ← جمع مكسر: |

التمرين الثامن - ترجم العبارات التالية:

١. أن لا يهرب من أداء الواجبات المدرسيّة.
٢. أن لا يقطع كلامه ولا يسيبهُ بالكلام.
٣. ما فعلت من الخيرات وجدتها ذخيرة لآخرتك.
٤. اذا قضى امرأ فانما يقول له كُنْ فيكون.
٥. ما تقدّموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله.
٦. من علم علماً فله اجرٌ من عمل به لا ينقص من اجر العامل.
٧. الناس أعداء ما جهلوا.

پاسخ تمرین های امتحانی ترجمه

- ۳ الحِصَّة
- ۴ قلیل
- ۵ وافق
- ۶ کیف
- ۷ يَتَوَكَّلُ

التمرین السادس

- ۱ كان الطلاب يستمعون الى كلام مُدَرِّسِ الكيمياء في الحصة الاولى.
- ۲ كان الطالب بينهم مُشاغِباً.
- ۳ ذهب الطالب لِحَلِّ مشكلة الى معلم الأدب الفارسي.
- ۴ كان يستمعون.

التمرین السابع

- ۱ تخته سیاه
- ۲ تعنت
- ۳ بیج بیج کردن
- ۴ زیست شناسی
- ۵ الكيمياء
- ۶ زَمِيل
- ۷ ذَنْب
- ۸ أموات
- ۹ حَصَد
- ۱۰ أوامر
- ۱۱ مَرَّة
- ۱۲ أنفُس

التمرین الثامن

- ۱ این که از انجام دادن تکالیف مدرسه نگریزد.
- ۲ این که سخنش را قطع نکند و در سخن گفتن از او سبقت نگیرد.
- ۳ آن چه از خوبی ها انجام دهی آن را پس اندازی برای آخرت می یابی.
- ۴ زمانی که او کاری را دستور دهد با یک اراده انجام می شود.
- ۵ هر چه از خوبی برای خودتان از پیش بفرستید آن را نزد خدا می یابید.
- ۶ هر که علمی یاد دهد، پاداش کسی که بدان عمل می کند از اوست و پاداش عامل کاسته نمی شود.
- ۷ مردم دشمنان آن چیزی هستند که نمی دانند.

التمرین الأول

- ۱ شیمی - گوش می کردند
- ۲ زیست شناسی - سؤال می کرد
- ۳ گوش ندهد - مردود می شود
- ۴ اخلاکرت - آگاه خواهد شد
- ۵ بکاری - درو می کنی
- ۶ دوری کردن - بی ادبی
- ۷ تخته سیاه - می نویسند
- ۸ کودکی اش - بزرگی اش

التمرین الثاني

- ۱ گزینه «ب»
- ۲ گزینه «الف»
- ۳ گزینه «ب»
- ۴ گزینه «ب»
- ۵ گزینه «ب»

التمرین الثالث

- ۱ شیمی
- ۲ اخلاکرت
- ۳ پشت
- ۴ صحبت می کرد
- ۵ هرکس
- ۶ موفق می شوی
- ۷ مچ گیری

التمرین الرابع

- ۱ جهان ← دانشمند / بمیرد ← مرده باشد
- ۲ نیکی کردید ← نیکی کنید / خودت ← خودتان / نیکی خواهی کرد ← نیکی می کنید
- ۳ اگر ← آن چه / خوبی کند ← از خوبی انجام دهید / می بیند ← می داند
- ۴ نزد ← مقابل / فروتنی کردند ← فروتنی کردن / موفق ← زبردست
- ۵ دوست داشتیم ← دوست دارم / می نوشتیم ← بنویسم

التمرین الخامس

- ۱ لایعصی
- ۲ التوم

درسنامه قواعد

در زبان فارسی جمله‌هایی وجود دارند که به جملات شرطی معروف‌اند. این جمله‌ها با کلماتی از قبیل «اگر، هرکس، هرگاه، هرچیز و...» آغاز می‌شوند.

جمله‌های شرطی ← ادوات شرط + فعل اول + فعل دوم
فعل شرط جواب شرط

مهم‌ترین ادوات شرط

۱. مَن (هرکس) ← مَن يَزْرَعُ شَرّاً يَخْصُدْ نِدَامَةً

فعل شرط جواب شرط

۲. ما (هرچه) ← ما نَفْعَلُ مِن خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللهُ

فعل شرط جواب شرط

۳. اِنْ (اگر) ← اِنْ تَدْرُسْ، تَنْجَحْ

فعل شرط جواب شرط

۴. اِذَا (هرگاه، اگر) ← اِذَا اجْتَهَدْتَ، نَجَحْتَ

فعل شرط جواب شرط

معمولاً ادوات شرط بر سر عبارتی می‌آیند که دو فعل دارد. فعل اول، «فعل شرط» و فعل دوم، «جواب شرط» نام دارد.

۱. گاهی جواب شرط به صورت جمله اسمیه می‌آید.

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ

فعل شرط جواب شرط (جمله اسمیه)

هرکس بر خدا توکل کند، خدا برایش کافی است.

۲. گاهی ادوات شرط بر سر عبارتی می‌آیند که ۲ فعل ماضی دارد. در این حالت می‌توانیم فعل شرط را «مضارع التزامی» و

جواب آن را «مضارع اخباری» ترجمه کنیم.

ادوات شرط + فعل اول ماضی + فعل دوم ماضی

ترجمه = مضارع التزامی مضارع اخباری

مثال مَنْ حَفَرَ بَيْتاً لِّصَدِيقِهِ، وَقَعَ فِيهَا: هرکس چاهی برای دوستش حفر کند، داخل آن می‌افتد.

مضارع التزامی مضارع اخباری

۳. هرگاه ادوات شرط بر سر عبارتی با دو فعل مضارع بیاید، فعل شرط به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

مثال مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا، تَخْصُدُ فِي الْآخِرَةِ: هرچه در جهان بکاری، در آخرت درو می‌کنی.

مضارع التزامی

با توجه به نکات بالا، پس هرگاه ادوات شرط بر سر هر فعلی آید، فعل اول مضارع التزامی و فعل دوم مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

ادوات شرط + فعل اول + فعل دوم

مضارع التزامی مضارع اخباری

تمرین های امتحانی قواعد

التمرین الأول - عین جملات الشرطية أو غير الشرطية:

١. لا تحزن، إن الله معنا.
٢. من يتأمل قبل الكلام، يسلم من الخطاء.
٣. إن تزغ خيراً، تحصد سروراً.
٤. الكفار لم يؤمنوا بما أنزل الله.
٥. أخذوا من مكان قريب.
٦. من صبر في المشاكل ظفر.

التمرین الثاني - عین فعل الشرط و جواب شرط:

١. إن تنصروا الله ينصركم.
٢. ما فعلت من الخيرات، وجدتها ذخيرة لآخرتك.
٣. من صبر في أموره، ظفر.
٤. من علم علماً، فله اجر عند الله.
٥. اذا اجتهدت، نجحت.

التمرین الثالث - عین آداب الشرط و ترجم العبارات:

١. إن تجتهدن في أعمالكن تنجن.
٢. من يتعد حدود الله فاولئك هم الظالمون (بقره / ٢٢٩)
٣. اذا اجتهدت في دروسك، نجحت في الامتحان.
٤. من يحاول كثيراً، يصل إلى أهدافه.
٥. ما تزغ في الدنيا، تحصد في الآخرة.
٦. من فكر قبل الكلام، قل خطوه.
٧. إن ينزل المطر، يناسب الجو.
٨. اذا ملك الأراذل، هلك الأفاضل.

التمرین الرابع - عین ما لا يناسب الأخرى مع بيان السبب:

- | | | | |
|----------|-------|---------|--------|
| ١. ما | من | من | إذا |
| ٢. هذا | اولئك | هاتان | إن |
| ٣. يتوكل | تکاتب | يُعلمون | أخرج |
| ٤. حفر | فكر | وقعا | تحصدين |
| ٥. هي | ها | من | نحن |

التمرين الخامس - ترجم الجمل التالية:

١. مَنْ حَفَرٍ بِنِراً وَقَعَ فِيهَا.
٢. لَا تَخْرُجُوا مِنَ الصَّفِّ.
٣. الْعَالَمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتاً.
٤. إِزْحَمَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَزْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.
٥. كَانَا يُسَافِرَانِ إِلَى مَدِينَةٍ رَى.

التمرين السادس - عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي الْفَرَاغِ:

١. أَحْسَنْتُمْ، أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ. مَنْ مِنْ إِنْ أَنَا
٢. مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ، فَ..... حَسْبُهُ. هُمْ هِيَ هُوَ
٣. مَنْ كَثِيراً، يَصِلْ إِلَى هَدَفِهِ. يُحَاوِلُ يُحَاوِلُونَ يُحَاوِلِينَ
٤. إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَهُ..... ك كُنْ كُمْ
٥. إِذْهَبْ إِلَى الصَّفِّ الصَّفِّ الصَّفِّ

التمرين السابع - اجْعَلْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ:

١. مُسْتَمِعُونَ جمع مؤنث سالم
٢. نَاجِحَات قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ
٣. جُنُود اسْمُ الْمَكَانِ
٤. الْبُقْعَةُ جمع المكسر
٥. لِأَنْتَحَرِّمَ اسم الفاعل
٦. الْأَمَارَةُ فعل النهي
٧. الْمَضْنَع اسم المبالغة
٨. الْأَعْظَمُ اسم التفضيل

التمرين الثامن - ترجم العبارات التالية ثم عَيِّنِ المطلوب منك:

١. مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ حَظْمَهُ. (الجمع المكسر ومُفْرَدَةٌ ونوع فعل الشرط)
٢. مَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ. (فعل الشرط وجوابه)
٣. إِنْ صَبَرْتَ، أَدْرَكَتْ بِصَبْرِكَ مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ. (اسم المكان ونوع جواب الشرط)
٤. الْمَسَاجِدُ بِيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ. (المبتدأ والخبر والجار والمجرور)
٥. يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ. (الفاعل والمفعول)
٦. إِنْ يَقُولُوا الْحَقَّ يَقُوزُوا. (أدات وفعل الشرط وجوابه)

پاسخ تمرین‌های امتحانی قواعد

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ

- | | |
|---|--|
| ۱ | غیرشرطی، «لا» حرف نهی است. |
| ۲ | شرطی، «مَنْ» ادات شرط است. |
| ۳ | شرطی، «إِنْ» ادات شرط است. |
| ۴ | غیرشرطی، ادات شرط در جمله وجود ندارد. |
| ۵ | غیرشرطی، زیرا ادات شرط در جمله وجود ندارد. «مَنْ» حرف جراست. |
| ۶ | شرطی، «مَنْ» ادات شرط است. |

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

- | | |
|---|--|
| ۱ | هرکس چاهی حفر کند، در آن می افتد. |
| ۲ | از کلاس خارج نشوید. |
| ۳ | دانشمند زنده است، اگرچه بمیرد. |
| ۴ | به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند. |
| ۵ | به شهرری مسافرت می کردند. |

التَّمْرِينُ الثَّانِي

- | | | | |
|---|-----------------|-----------------------|------------------------------------|
| ۱ | إِنْ: ادات شرط | تَنْصُرُوا: فعل شرط | يَنْصُرُ: جواب شرط |
| ۲ | مَا: ادات شرط | فَعَلَتْ: فعل شرط | وَجَدْتُ: جواب شرط |
| ۳ | مَنْ: ادات شرط | صَبَرَ: فعل شرط | ظَفِرَ: جواب شرط |
| ۴ | مَنْ: ادات شرط | عَلَّمَ: فعل شرط | لَهُ أَجْرٌ: جواب شرط (جمله اسمیه) |
| ۵ | إِذَا: ادات شرط | إِجْتَهَدْتُ: فعل شرط | نَجَحْتُ: جواب شرط (جمله اسمیه) |

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

- | | |
|---|--|
| ۱ | إِنْ، با توجه به معنا |
| ۲ | هو، زیرا فعل شرط، مفرد مذکر است. |
| ۳ | يُحَاوِلُ: زیرا جواب شرط، مفرد مذکر است. |
| ۴ | كَمْ، منظور جمله، جمع مخاطب است. |
| ۵ | الصَّبِّ، مجرور به حرف است. |

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

- | | |
|---|---------------|
| ۱ | اسم الفاعل |
| ۲ | جمع مؤنث سالم |
| ۳ | جمع المکثر |
| ۴ | قطعة من الأرض |
| ۵ | فعل النهی |
| ۶ | اسم المبالغة |
| ۷ | اسم المكان |
| ۸ | اسم التفضيل |

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

- | | |
|---|---|
| ۱ | إِنْ: ادات شرط / اگر در کارهایتان تلاش کنید، موفق می شوید. |
| ۲ | مَنْ: ادات شرط / هرکس از حدود خدا تجاوز کند، پس آنان ستمگر هستند. |
| ۳ | إِذَا: ادات شرط / هرگاه (اگر) در درس هایت تلاش کنی، در امتحان موفق می شوی. |
| ۴ | مَنْ: ادات شرط / هرکس زیاد تلاش کند، به هدف هایش می رسد. |
| ۵ | مَا: ادات شرط / هرچه در دنیا بکاری، در آخرت درو می کنی. |
| ۶ | مَنْ: ادات شرط / هرکس پیش از سخن گفتن بیندیشد (اندیشید) خطایش کم می شود (کم شد) |
| ۷ | إِنْ: ادات شرط / اگر باران بیارد، هوا مناسب می شود. |
| ۸ | إِذَا: ادات شرط / هرگاه (اگر) فرومایگان فرمانروا شوند، شایستگان از بین می روند. |

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ

- | | |
|----|---|
| ۱ | هرکس به بندگان خدا ستم کند، خداوند و دشمن او می شود. |
| ۲ | جمع مکسر: عباد، مفرده: عبد / نوع فعل الشرط: فعل ماضی «ظَلَمَ» هرکس از راهنمایی من پیروی کند، گمراه نمی شود. |
| ۳ | فعل شرط: اتَّبِعَ / جواب شرط: لا يَضِلُّ |
| ۴ | اسم مکان: مَنَازِلُ (مَنْزِل) / نوع جواب شرط: فعل ماضی «أَذْرَكْتُ» |
| ۵ | مَسَاجِدُ، خانه های خداوند در زمین هستند. |
| ۶ | مبتدا: المساجد / خبر: بیوٲ الله / جار و مجرور: فی الأرض |
| ۷ | خداوند مثال ها را برای مردم می زند. |
| ۸ | فاعل: الله مفعول: الأمثال |
| ۹ | اگر حق را بگویند، رستگار می شوند. |
| ۱۰ | ادات شرط: إِنْ فعل شرط: يَقُولُوا جواب شرط: يُفُوزُوا |

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

- | | |
|---|---|
| ۱ | مَنْ، زیرا حرف جراست و بقیه از ادوات شرط می باشند. |
| ۲ | إِنْ، زیرا از ادات شرط است و بقیه اسم اشاره می باشند. |
| ۳ | تَكَاتَبَ، زیرا فعل ماضی است و دیگر گزینه ها فعل مضارع هستند. |
| ۴ | تَخْضُرِينَ، زیرا فعل مضارع است و بقیه فعل ها ماضی می باشند. |
| ۵ | مَنْ، زیرا ادات شرط است و دیگر گزینه ها ضمیر هستند. |

ردیف	نمونه سؤالات امتحانی درس دوم	نمره
	ترجم العبارات التالية إلى الفارسيّة:	۵
۱	فی الحِصَّةِ الأولى كَانَ الطَّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إلى كَلَامِ مُدْرِسِ الكيمياءِ.	
۲	قَالَ المُعَلِّمُ: مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إلى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْتَبُ فِي الإِمْتِحَانِ.	
۳	الإِجْتِنَابُ عَن كَلَامِ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلآدَبِ.	
۴	لَا يَهْزُبُ مِن أَداءِ الواجباتِ المدرسةَ أَبَدًا.	
۵	عَدَمُ النَوْمِ فِي الصَّفِّ، عِنْدَمَا يُدْرَسُ المُعَلِّمُ حَسَنٌ.	
	أَكْمِلُ التَّرْجُمَةَ عَلى حَسَبِ الدَّرْسِ:	۱/۵
۶	أَلْفٌ عَدَدٌ مِنَ العُلَمَاءِ كُتِبَ فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَةِ وَالتَّعْلِيمِ.	
۷	تعدادی از دانشمندان در تعلیم و تربیت إِنْ تَقَرُّ إِنشَاءَكَ أَمَامَ الطَّلَابِ فَسَوْفَ يَتَّبِعُكَ زَميلُكَ المُشَاغِبِ.	
۸	انشایت را مقابل دانش آموزان بخوانی، هم کلاسی های، كَانَ الوَلَدُ يَسْأَلُ مُعَلِّمَ عِلْمِ الأَحْيَاءِ تَعْتَنًا. پسراز معلم زیست شناسی درباره سؤال می کرد.	
	عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ مَا أَشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ:	۱
۹	كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَميلٍ مِثْلِهِ. (صحبت می کند - صحبت کرد - صحبت می کرد)	
۱۰	فُئِمَ لِلْمُعَلِّمِ وَفِيهِ التَّبْجِيلَا. (بپرداز - برخیز - پرداخت)	
۱۱	مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الكَلَامِ قَلَّ خَطْوُهُ. (هرکس - کسی که - اگر)	
۱۲	يَلْتَفِتُ تَارَةً إِلَى الوَرَاءِ. (مقابل - کنار - پشت)	
	إِنتخِبِ الكَلِمَتَيْنِ المِترادِفَتَيْنِ وَالمِتضادَّتَيْنِ (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ): «تَعْظِيمٌ - قَامٌ - حِصَّةٌ - زَرَعٌ - تَبْجِيلٌ - حَصَدٌ» = ≠	۰/۵
	أَكْتُبْ مِفرِدًا أَوْ جَمْعًا الكَلِمَاتِ:	۰/۵
	أَحْيَاءٌ: فَضْلٌ:	
	إِنتخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ:	۱
۱۵	العَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتًا. الف. جهان زنده است اگرچه بمیرد. ب. دانشمند زنده است اگرچه مرده باشد.	
۱۶	إِنْ صَبِرْتَ، حَصَلَتْ عَلَيَّ التَّجَاحُ فِي حِيَابِكَ. الف. اگر صبر کنی در زندگی ات موفقیت به دست می آوری. ب. اگرچه صبر کردی، اما نتیجه اش موفقیت در زندگی ات بود.	
۱۷	عِلْمُ الكيمياءِ عِلْمٌ مِطَالَعَةُ خواصِّ العنصرِ. الف. علم شیمی علم مطالعه خواص عناصرها است. ب. علم زیست شناسی علم مطالعه خاصیت های عناصر است.	
۱۸	مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ أَجَابَ فِي كِبَرِهِ. الف. هرکس پاسخ بزرگ هایش را در کودکی پرسید. ب. هرکس در کودکی اش بپرسد در بزرگی سالی اش پاسخ می دهد.	

ردیف	نمره	
	۱	صحح الأخطاء في الترجمة: ۱۹ إن تَزْرَعْ خيراً، تَحْضُدْ سروراً. ۲۰ قال مهران: في صَفْنَا طُلَّابٌ مُشَاغِبُونَ. هرکس نیکی کند، شادی به دست می آورد. مهران گفت: در کلاس دانش آموزان پرکارند.
	۱	إقرأ النص ثم أجب عن الأسئلة: ۲۱ فَكَّرَ حميد حول مُشكلاته فَذَهَبَ إلى أبيه للمُشاورة و شَرَحَ لَهُ فَضِيَّةً وَقَالَ: أَحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ إنشاءً تَحْتَ عنوان «في محضر المعلم» أبوه ۲۲ تَحْسِينُهُ وَقَالَ لَهُ: إن تَطَالَعِ كتاب «مُثْبِتَةُ المُرِيدِ» لِزَيْنِ الدينِ العَامِلِي يُسَاعِدُ عَلَيَّ كِتَابَةَ إنشائك. أين ذَهَبَ حميد للمُشاورة؟ لِمن كتاب «مُثْبِتَةُ المُرِيدِ»؟
	۱/۵	عَيِّن أداة الشرط و فِعْلَ الشرط و جَوَابَهُ: ۲۳ إن يَسْتَفِدَّ من الوَقْتِ لا يَضِعُ عُمركَ. ۲۴ مَنْ سَتَرَ عَيْبَ الآخرِينَ فالله يُحِبُّهُ.
	۰/۵	عَيِّن العبارة الشرطية أو غير الشرطية: ۲۵ إن أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لأنفُسِكُمْ. ۲۶ لا تَقْتَنُوا من رَحْمَةِ الله.
	۱	عَيِّن ما لا يُناسِب الأخرى: ۲۷ <input type="checkbox"/> من <input type="checkbox"/> إن <input type="checkbox"/> إذا <input type="checkbox"/> ما <input type="checkbox"/> ما ۲۸ <input type="checkbox"/> هولاء <input type="checkbox"/> هاتان <input type="checkbox"/> هي <input type="checkbox"/> هذا <input type="checkbox"/> هولاء ۲۹ <input type="checkbox"/> يَنْصُرُونَ <input type="checkbox"/> جاهدا <input type="checkbox"/> تُحْسِنُ <input type="checkbox"/> تُعَلِّمان <input type="checkbox"/> تُعَلِّمان ۳۰ <input type="checkbox"/> انت <input type="checkbox"/> انشئ <input type="checkbox"/> هُنَّ <input type="checkbox"/> انتما <input type="checkbox"/> انتما
	۱	عَيِّن الصحيح في الفراغ: ۳۱ ملك الأراذل، هلك الأفاضل. <input type="checkbox"/> ما <input type="checkbox"/> إذا <input type="checkbox"/> من <input type="checkbox"/> من ۳۲ لا يَسْمَعُ كلام المعلم، يَزْسِبُ. <input type="checkbox"/> من <input type="checkbox"/> ما <input type="checkbox"/> هو <input type="checkbox"/> هو ۳۳ تَفْعَلُوا من خير يَعْلَمُهُ الله. <input type="checkbox"/> من <input type="checkbox"/> من <input type="checkbox"/> ما <input type="checkbox"/> ما ۳۴ عِدَّةُ الشُّهُورِ عند الله اثنا عَشَرَ شهراً. <input type="checkbox"/> إن <input type="checkbox"/> إن <input type="checkbox"/> أن <input type="checkbox"/> أن
	۱	عَيِّن جواب الشرط و نوعها (الفعل الماضي، المضارع أو الجملة الاسمية): ۳۵ مَنْ جاءَ بالحسنة فَلَهُ عَشْرُ أمثالِها. <input type="checkbox"/> من <input type="checkbox"/> من <input type="checkbox"/> من ۳۶ مَنْ طَلَبَ العُلَى سَهَرَ اللَّيالي. <input type="checkbox"/> من <input type="checkbox"/> من <input type="checkbox"/> من ۳۷ مَنْ يَتَأَمَّلْ قَبْلَ الكلامِ يَسْلَمْ من الخِطاءِ. <input type="checkbox"/> من <input type="checkbox"/> من <input type="checkbox"/> من ۳۸ إن تَتَّقُوا اللهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقانا. <input type="checkbox"/> من <input type="checkbox"/> من <input type="checkbox"/> من
	۳/۵	ترجم العبارات ثُمَّ عَيِّن المطلوب: ۳۹ إن تَنْصُرُوا اللهَ يَنْصُرْكُمْ (أداة الشرط و فعل الشرط و جوابها) ۴۰ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَيَّ اللهُ فَهُوَ حَسْبُهُ (جواب الشرط و نوعها) ۴۱ ما تَقَدِّمُوا لأنفُسِكُمْ من خيرٍ تَجِدُوهُ عند الله (الجار و المجرور و المضاف اليه)
	۲۰	جمع نمره

آزمون غنی سازی

۱. عین عبارت الشرطیة:
- (۱) لا تَحْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا
- (۲) للتلاميذ لم يقصروا في أداء واجبهم.
- (۳) إِنَّ تُقْرِضُوا اللَّهَ يُضَاعِفْ لَكُمْ
- (۴) لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ
۲. عین عبارت الشرطیة جوابها الجملة الاسمیة:
- (۱) إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ
- (۲) مَنْ يَسْتَمِعْ إِلَى الْمُعَلِّمِ فَهُوَ يَنْجَحْ فِي دَرُوسِهِ
- (۳) مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ، قَلَّ خَطْوُهُ.
- (۴) مَنْ حَفَرَ بِنَارٍ لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا.
۳. عین عبارت غیر الشرطیة:
- (۱) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ
- (۲) إِنْ صَبَرْتَ أَذْرَكَتْ بِصَبْرِكَ مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ
- (۳) مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ
- (۴) فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ
۴. عین فعل الشرط وجواب الشرط بالترتيب: «إِنْ صَبَرْتَ حَصَلَتْ عَلَى التَّجَاحِ فِي حَيَاتِكَ»
- (۱) إِنْ - حَصَلَتْ
- (۲) صَبَرْتَ - عَلَى التَّجَاحِ فِي حَيَاتِكَ
- (۳) صَبَرْتَ - حَصَلَتْ
- (۴) حَصَلَتْ - صَبَرْتَ
۵. عین عبارت التي أداة الشرط بمعنى «إذا»:
- (۱) وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ
- (۲) إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ
- (۳) وَ مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ
- (۴) إِنْ الْإِسْلَامَ دِينُ الْعِبَادَةِ
۶. عین الخطاء في التمرادف و المتضاد:
- (۱) أَحْيَا ≠ آمَوَات
- (۲) إِثْمٌ ≠ ذَنْب
- (۳) تَارَةً = مَرَّةً
- (۴) سَبِيلٌ = طَرِيق
۷. عین الخطاء في الترجمة:
- (۱) مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا، يَصِلْ إِلَى هَدَفِهِ: كَسَى كَه زِيَاد تَلَاش مِي كَنْد بَه هَدَفِش مِي رَسَد.
- (۲) مَا تَفْعَلْ مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمَهُ اللَّهُ: هَرْجِه كَار خُوب اَنْجَام دَهِي خُدا اَن رَا مِي بِيْنَد.
- (۳) إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ: اَگر خُدا رَا يَارِي كَنْيِد، خُداوَنْد شُما رَا يَارِي مِي كَنْد.
- (۴) مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا فَلَهُ أَجْرٌ: هَرْ كَس عِلْمِي بِيَا موزِد بَرَاي او پادا شِي اَسْت.
۸. عین الترجمة «الف - تبجيل - سورة - همس» بالترتيب:
- (۱) هزار - سورة - بزرگ داشت - پیچیده
- (۲) نگاشت - بزرگ داشت - چوب - پیچیده
- (۳) نگاشت - بزرگ داشت - تخته سیاه - پیچ کرد
- (۴) هزار - بزرگ داشت - سورة - پیچ کرد
۹. عین الصحيح في الترجمة:
- (۱) اِلْتَفَتَ: رُوی رَا بَرگَرْدانَد
- (۲) وَفَى: پیمان بَسْت
- (۳) قُمْ بِ...: بَرخیز
- (۴) عَصَى: شاید
۱۰. عین الترجمة الصحيحة: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ»
- (۱) هَرْ كَس نِيكِي كَنْد، بَه خُودش نِيكِي كَرْدِه اَسْت.
- (۲) اَگر نِيكِي كَنْيِد، بَه خُودتان نِيكِي مِي كَنْيِد.
- (۳) اَگر نِيكِي كَرْدِيد، بَه خُودتان نِيكِي كَرْدِه اِيد.
- (۴) اَگر بَه هَرْ كَس نِيكِي كَنْيِد، بَه خُود نِيكِي كَرْدِه اِيد.

پاسخ نمونه سؤالات امتحانی

- | | | | |
|----|--|----|---|
| ۱ | درزنگ درسی اول دانش‌آموزان به سخنان معلم شیمی گوش می‌دادند. | ۲۳ | ادات شرط: إِنْ فعل شرط: يَسْتَفِيدُ جواب شرط: لايَضَعُ |
| ۲ | معلم گفت: هرکس خوب به درس گوش ندهد، در امتحان مردود می‌شود. | ۲۴ | ادات شرط: مَنْ فعل شرط: سَتَرَ جواب شرط: فَاللَّهُ يُجِيبُهُ |
| ۳ | دوری کردن از سخنانی که در آن بی ادبی است. | ۲۵ | شرطی، زیرا با « إِنْ » که ادات شرط است آغاز شده است. |
| ۴ | هرگز از انجام تکالیف مدرسه نمی‌گریزد. | ۲۶ | غیرشرطی، « لَا » در این جمله حرف نهی است. |
| ۵ | نخواستیدن در کلاس، هنگامی که معلم درس می‌دهد نیکو است. | ۲۷ | مِنْ، زیرا این حرف از حروف جراست و بقیه گزینه‌ها ادات شرط می‌باشند. |
| ۶ | کتاب‌هایی - زمبینه‌های - نوشتند | ۲۸ | هی، زیرا ضمیر می‌باشد و بقیه اسم اشاره هستند. |
| ۷ | اگر - اخلاک‌گرت - آگاه خواهد شد | ۲۹ | جاهدا، زیرا فعل ماضی است و دیگر گزینه‌ها فعل مضارع هستند. |
| ۸ | مچ‌گیری | ۳۰ | هُنَّ، ضمیر سوم شخص است یعنی غایب است و دیگر ضمیرها دوم شخص هستند یعنی مخاطبند. |
| ۹ | صحبت می‌کرد | ۳۱ | إِذَا (هرگاه - اگر) |
| ۱۰ | برخیز | ۳۲ | مَنْ (هرکس) |
| ۱۱ | هرکس | ۳۳ | مَا (هرچه) |
| ۱۲ | پشت | ۳۴ | إِنَّ (قطعاً، همانا) |
| ۱۳ | تعظیم = تبجیل | ۳۵ | فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ← جمله اسمیه |
| ۱۴ | أَحْيَا مفرد ← حَيٌّ | ۳۶ | سَهَرَ ← فعل ماضی |
| ۱۵ | گزینه «ب» | ۳۷ | يَسَلِّمُ ← فعل مضارع |
| ۱۶ | گزینه «الف» | ۳۸ | يَجْعَلُ ← فعل مضارع |
| ۱۷ | گزینه «الف» | ۳۹ | اگر خدا را یاری کنید، او شما را یاری می‌کند. |
| ۱۸ | گزینه «ب» | ۴۰ | ادات شرط: إِنْ فعل شرط: تَنْصُرُوا جواب شرط: يَنْصُرُ |
| ۱۹ | اگر نیکی بکاری، شادی به دست می‌آوری. (درو می‌کنی) | ۴۱ | هرکس به خدا توکل کند پس او برایش کافی است. |
| ۲۰ | مهران گفت: در کلاس ما دانش‌آموزان اخلاک‌گر (شلوغ کننده) هستند. | | جواب شرط: فَهُوَ حَسْبُهُ نوع جواب: جمله اسمیه |
| ۲۱ | ذَهَبَ حَمِيدٌ إِلَى إِبِيهِ لِلْمُشَاوَرَةِ. | | هرچه برای خودتان از نیکی پیش فرستید آن را نزد خدا می‌بایید. |
| ۲۲ | كُتِبَ «مُنِيَّةُ الْمُرِيدِ» لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ. | | جارو مجرور: لِإِنْفُسٍ مِّنْ خَيْرٍ مضاف الیه: اللَّهُ |

پاسخ آزمون غنی‌سازی

- | | | | |
|---|-----------|----|-----------|
| ۱ | گزینه «۳» | ۶ | گزینه «۲» |
| ۲ | گزینه «۲» | ۷ | گزینه «۱» |
| ۳ | گزینه «۱» | ۸ | گزینه «۳» |
| ۴ | گزینه «۳» | ۹ | گزینه «۱» |
| ۵ | گزینه «۲» | ۱۰ | گزینه «۲» |